روزنه

زن ایرانی؛ نامزد سکانداری قدیمی‌ترین حزب آلمان

● زیگمار گابریل، رهبر حزب سوسیال دموکرات آلمان، یاسمین فهیمی را به‌عنوان دبیرکل جدید این حزب پیشنهاد کرد. یاسمین فهیمی ۴۶ساله و ایرانی‌تبار است. او تاکنون در اتحادیه کارگری مشغول به فعالیت بوده است. به گزارش «صدای آلمان» زیگمار گابریل پیشنهاد خود مبنی بر دبیرکلی فهیمی را به آگاهی رهبری حزب سوسیال‌دموکرات رسانده است. فهیمی تاکنون بخش برنامه‌ریزی سیاسی در اتحادیه کارگری قدرتمند معدن، شیمی و انرژی در هانوفر را سرپرستی می‌کرده است. پدر او ایرانی و مادرش آلمانی است. یاسمین فهیمی در هانوفر به‌دنیا آمده و در دانشگاه همین شهر در رشته شیمی تحصیل کرده است. او همسر میشاییل واسیلیادیس، رییس اتحادیه کارگری معدن، شیمی و انرژی، است.در صورت موافقت حزب با این پیشنهاد، یاسمین فهیمی جانشین آندریا ناهلس خواهد شد که پس از تشکیل دولت ائتلافی جدید، به‌سمت وزیر کار منصوب شد. قرار است در یک کنگره فوق‌العاده حزب سوسیال‌دموکرات، در ۲۶ ژانویه ۲۰۱۴ در برلین دبیرکلی فهیمی به رای گذاشته شود. زیگمار گابریل، رهبر حزب سوسیال‌دموکرات و وزیر اقتصاد و انرژی آلمان گفته فهیمی در عرصه سیاسی آلمان چهره‌ای ناشناس است، اما رهبری حزب سوسیال‌دموکرات مصمم است دبیرکلی این حزب را بار دیگر به یک زن محول کند. گرچه فهیمی در عرصه سیاست آلمان، چهره‌ای شناخته‌شده نیست، اما در حزب خود نام‌آشناست. فهیمی در دهه ۱۹۹۰ در سازمان جوانان حزب سوسیال‌دموکرات در هانوفر فعالیت داشت و تلاش او برای نامزدی و حضور در پارلمان ایالتی نیدرزاکسن موفقیت‌آمیز نبود. آشنایی گابریل با فهیمی نیز ظاهرا به همین سال‌ها بازمی‌گردد. فهیمی به همراه دوست هم‌حزبی خود ناهلس، اشتفی لمکه از حزب سبزها و میشاییل گوگموز از اتحادیه کارگری اتاق فکری به نام «کارگاه فکر دمکراسی» را بنیان نهاد. با وجود اینکه برخی فعالیت‌های سیاسی، پیش‌شرط‌هایی برای دبیرکلی حزب به‌شمار می‌آیند، اما سوسیال‌دموکرات‌ها امیدوارند یاسمین فهیمی به سرعت بر این موانع غلبه کند تا بتواند سکاندار قدیمی‌ترین حزب آلمان شود.

«شوکنهوف» با «شرق» به گفت‌وگو نشست

«صدای مرکل» با «چراغ خاموش» در تهران

فرنگیس بیات

دکتر «آندریاس شوکنهوف» را صدای واقعی صدراعظم آلمان «آنگلا مرکل» در تعیین جهت‌گیری‌های سیاست‌های این کشور در مورد شرق به‌ویژه در منطقه خاورمیانه و همسایگی روسیه می‌شناسند. البته او بیش از هر کشوری در معادلات سیاست خارجی آلمان بر روسیه تمرکز دارد. او منتقد جدی سیاست‌های پوتین است و در نگاه به پرونده هسته‌ای ایران، همواره نقش «مسکو» را به‌عنوان بازیگری موثر، مدنظر قرار می‌دهد؛ آنجایی که تاکید می‌کند «سرگئی لاوروف» وزیرخارجه روسیه آدم سرسختی است و امضای او معنای خاصی دارد. نایب‌رییس فراکسیون احزاب «دموکرات مسیحی» و «سوسیال مسیحی» در «بوندستاگ» (مجلس آلمان) نماینده‌ای است که پاسخ‌هایش به‌هیچ‌وجه قرار نیست از چارچوب تعیین‌شده محکم منطق آلمانی فراتر رود.

عکس: شرق

بعد از پیروزی حسن روحانی اعزام هیات‌های نمایندگی اروپایی به ایران، آغاز شده که جملگی بازتاب‌های رسانه‌ای هم داشته یعنی قبل و بعد از ورود هیات‌ها به ایران، خبرهای آن رسانه‌ای شده‌اند اما چرا سفر شما تقریبا در سکوت خبری انجام شد؟

من واقعا نمی‌دانم چرا در سکوت برگزار می‌شود؛ من نماینده دولت نیستم اما فکر می‌کنم که پارلمانی‌ها هم باید در پروسه بهبود روابط بین کشورها درگیر باشند. دولت ما در جریان مذاکرات بین‌المللی در «ژنو» حضور داشته است. اما به‌عنوان یک نماینده مجلس، من نمایندگی مردم آلمان را دارم و باید برآورنده انتظارات مردم ایران و اروپا باشیم و این شانس را هم داریم که با استفاده از فرصت به‌وجودآمده بر مشکلات سال‌های پیشین، غلبه پیدا کنیم.

درواقع سوالم ناظر به این بود که با توجه به ذهنیت تقریبا مثبت ایرانی‌ها درباره مناسبات تاریخی با آلمان و حتی نقش شخص «یوشکا فیشر» در جریان مذاکرات پیشین و نیز حضور بدون حاشیه آلمان در مذاکرات «ژنو»؛ چرا ورود شما به ایران، در رسانه‌های خارجی و ایرانی، بازتابی درخور نداشته و به‌نوعی، در سکوت خبری انجام شده است؟

البته باید بگویم که بعد از انتخابات در ایران، ما هم در آلمان انتخابات داشتیم، همه توجه‌ها به انتخابات در آلمان و سیاست‌های داخلی بود. تغییرات مهمی در ائتلاف‌ها رخ داد و از تابستان گذشته روی انتخابات خودمان تمرکز داشتیم و دو، سه‌ماهی طول کشید تا دولت جدید شکل گرفت. پارلمان شروع به کار روی گسترش روابط کرده است و مشغول عملیاتی‌کردن آن هستیم. البته باید اشاره کنم که ماموریت سیاسی ویژه‌ای را دنبال نمی‌کنیم، نقش ما بخشی از نقش سه قدرت اروپایی حاضر در مذاکرات است. به‌لحاظ سیاسی در میان کشورهای درگیر پرونده هسته‌ای ایران به‌دنبال نقش ترجیحی یا مجزا نیستیم. از این‌رو نمی‌خواهیم ساکت‌تر یا پررنگ‌تر از سایرین باشیم. فقط می‌خواهیم که به سهم خود کمکی برای جلوگرفتن این فرآیند بکنیم و انتظارات زیادی از روابط برلین با تهران داریم. امیدواریم که بتوانیم موفق به اجرای این خواست‌ها شویم.

میزبان شما کیست؟ هدف اصلی‌تان در این سفر چیست؟ آیا سفری برای گسترش روابط دوجانبه است یا تلاشی برای برجسته‌کردن دیپلماسی پارلمانی؟

میزبان و هماهنگ‌کننده دیدار، مجالس دو کشور بوده‌اند، در مورد هدف اصلی سفر می‌توانم بگویم هر دو محوری است که شما اشاره کردید. می‌بینید که دوره بسیار تعیین‌کننده‌ای برای هر دو هدف است. واضح است که به‌سرعت نمی‌توان به یکدیگر نزدیک شد اما این دوره زمانی است که باید انرژی خود را برای حل مساله هسته‌ای بگذاریم، بنابراین یکی از اهداف این سفر، کمک به این روند است. درواقع تلاش برای عملیاتی‌کردن توافق «ژنو»، تاکید و یادآوری این نکته است که این توافق به هیچ‌وجه توافقی «تاکتیکی» نبوده است. ما هیچ برنامه‌ای برای مذاکره یا چانه‌زنی بر سر این توافق نداریم، هدف ما اجرای این توافق و درواقع رسیدن به نقطه حل مساله هسته‌ای ایران است. پنجره این فرصت باز است و این نگاه میان دیگر طرف‌های مذاکره با ایران هم وجود دارد. روس‌ها، چینی‌ها، آمریکایی‌ها و سایرین هم در مورد لزوم حل مساله و اهمیت حیاتی توافقنامه «ژنو»، تردید ندارند و در این مورد باهم اختلافی ندارند. بنابراین پنجره فرصت برای ما هم، موقعیت منحصربه‌فردی تشکیل داده است. این یک شانس برای ایران، برای بازگشت به جامعه بین‌المللی در مورد موضوع محدودی مثل پرونده هسته‌ای و البته دیگر حوزه‌هاست. البته اگر موفق به ایجاد اعتمادسازی و پاسخگویی شویم، فکر می‌کنم که با همکاری‌های نزدیک‌تر با هم بتوانیم سایر موضوعات را هم حل‌وفصل کنیم و همان‌طور که شما از جنبه تاریخی هم اشاره کردید، دید تاریخی مثبت ایرانیان به آلمان می‌تواند به بهبود روابط تهران و برلین کمک بیشتری کند.

در مورد پرونده هسته‌ای هنوز کشمکش‌هایی وجود دارد، از برآیند مواضع اعلامی، به‌نظر می‌رسد که طرف اروپایی خواهان حل مساله است، طرف آمریکایی، انعطاف‌پذیری کمتری نشان می‌دهد و البته برخی شرکای اروپایی مثل فرانسه که مواضع تند و حتی تک‌روانه‌ای علیه ایران می‌گیرد؛ آیا وجود شکاف یا واگرایی، میان طرف‌های مذاکره‌کننده بر سر پرونده هسته‌ای ایران را می‌پذیرید؟

نه، آنچه من می‌بینم این است که این اختلاف‌ها را باید همانند مناظرات بسیار داغ بر سر چگونگی رسیدن به توافق و اجرا و عملی‌شدن آن دانست. در ایران هم، گروه‌های مختلفی بر سر پرونده هسته‌ای با هم بحث داشتند، این بحث در آمریکا هم وجود دارد، میان اروپایی‌ها هم همین‌طور. اتفاقی که افتاد، این بود که این مناظرات بر سر میز مذاکره پرونده هسته‌ای ایران هم به هر حال دیده می‌شود اما همه طرف‌ها به نوعی از یک درک مشترک توأم با «عقل سلیم» برای حل پرونده، بهره گرفته‌اند. منظورم این است که امضای سه کشور اروپایی و سه شریک قدرتمند دیگر بین‌المللی آنها پای توافقنامه موقت، جدی است.

اما به هر حال، نشانه‌های همراهی‌های نزدیک آلمان مثلا با آمریکا یا بریتانیا و موضع‌گیری متفاوت «لوران فابیوس» فرانسوی دیده می‌شود. موضع فرانسه، بدون شک، با موضع آلمان در «ژنو» یکسان نبود؟

بله ایشان موضع متفاوتی گرفتند. اما در یک جامعه باز و در روند چنین بحث‌های مذاکراتی حساسی، طبیعی است که همه مسایل روی میز باشد و هرکدام از ما منافع و دیدگاه متفاوتی نسبت به پرونده داشته باشیم. ممکن است اختلافاتی حتی میان اروپایی‌ها با چینی‌ها و آنها با آمریکایی‌ها بروز کرده باشد. اما نتیجه نهایی، توافقی بود که مورد تایید همه طرف‌ها قرار گرفت و به مرحله امضا رسید. بنابراین به‌نظرم اشتباه است که بخواهیم شکاف میان مذاکره‌کنندگان را به‌نوعی برجسته کنیم یا به دنبال تشریح گرایش‌های مختلف در درون «۱+۵» بگردیم. این شش قدرت در مورد توافقنامه بسیار متحد و هم‌نظر هستند. البته اختلاف‌نظر حتی در میان نیروهای سیاسی در ایران بر سر حل این پرونده وجود دارد. اما نباید فراموش کرد که باید برای راه‌حل سیاسی و قابل‌اعتماد در این مسیر، تلاش کنیم. ما هم باید از ایران دعوت کنیم که با جدی‌گرفتن توافق، زمینه حل نهایی مساله را فراهم کند.

اگر موافق باشید کمی از سیاست‌های داخلی آلمان و تاثیرش بر توافق موقت صحبت کنیم. آیا در «بوندستاگ» فراکسیون‌هایی شبیه «بازهای آمریکایی» فعال هستند که با توافقنامه موقت، مخالفت جدی داشته باشند؟ از دید شما، موضع کنشگران سیاسی آلمان نسبت به مذاکرات «ژنو» چگونه قابل طبقه‌بندی است؟

نه، نه! ما چنین بازیگرانی نداریم. می‌توان گفت که پارلمان ملی آلمان و احزاب و ائتلاف‌هایش به‌شدت بر سررسیدن به توافقی با ایران همصدا و حتی متحد بودند. مساله هسته‌ای ایران تنها محدود به ایران نیست. این مساله کل خاورمیانه را تحت‌تاثیر خود دارد، به‌نوعی امنیت این منطقه به حل این پرونده، گره خورده است. نمی‌توان گفت این پرونده، متعلق به ایران است و محدود به مرزهای ایران هم می‌ماند. از این‌رو، دغدغه‌های جدی و گسترده‌ای برای اجرای مفاد «ان‌پی‌تی» داریم. به‌هر حال، در این مسیر ما تحریم‌ها را مورد توجه قرار داده بودیم اما سیاست ما، سیاست «دو مسیره» - اعمال تحریم و البته پیگیری دیپلماسی برای حل مسالمت‌آمیز این مناقشه - بوده است. اما باز هم می‌گویم دغدغه‌های نیروهای سیاسی در آلمان؛ فراتر از ترکیب‌های ائتلافی دولت آن است.

درواقع، موضع مثبت مشترکی میان احزاب و نیروها در قبال روند مذاکرات هسته‌ای وجود دارد؟

بله، کاملا همین‌طور است؛ «موضع واحد». ائتلاف دولت قبلی با دولت فعلی در مورد پیگیری سیاست «دو مسیره» کوچک‌ترین اختلافی با هم ندارند و می‌خواهند که از سوی دیگر ایران هم نقش سازنده‌ای داشته باشد زیرا کاملا مطمئن هستیم که توانمندی هسته‌ای احتمالی ایران در حوزه نظامی، می‌توانست به تحریک انگیزه‌های عربستان سعودی، مصر و ترکیه برای داشتن چنین سلاح‌هایی دامن بزند. بنابراین وقتی چشم‌انداز بلندمدت را نگاه می‌کنیم، مواضع نیروهای سیاسی آلمان از منطق یکسانی پیروی می‌کند. در مورد پرونده هسته‌ای و جایگاه ایران باید گفت درواقع تاثیری که ایران و این پرونده می‌تواند، داشته باشد، امری است که باید آن را در بستر استراتژیک کل منطقه دید، تنها به ایران و مرزهای آن محدود نمی‌شود، امنیت کل خاورمیانه و البته اروپا وابسته به آن است.

روند رخدادها تایید می‌کند، در مقایسه با دوره‌ای که ایران و تروییکای اروپایی می‌کوشیدند با ابزار مذاکره، مساله هسته‌ای را حل کنند، نقش اروپایی‌ها در پرونده هسته‌ای حاشیه‌ای شده است؟ تلاش‌های یوشکا فیشر حتی تا همین اواخر برای حل پرونده هسته‌ای بسیار پررنگ‌تر از مسوولان کنونی اروپایی است؛ مقالات، سخنرانی‌ها و کلا اراده‌ای اروپایی برای پیداکردن یک راه‌حل، این روزها مساله در میدان بازی تهران و واشنگتن است... آیا با این تحلیل موافقید؟

بگذارید به سایر طرف‌های مذاکره‌کننده هم نگاهی بیندازیم. «لاوروف»، وزیرخارجه روسیه اساسا سیاستمداری نیست که به‌راحتی تحت‌تاثیر کسی قرار بگیرد یا به‌راحتی متنی را امضا کند. امضای او پای این توافقنامه، گویای نکات بسیاری است. روسیه؛ کلا شریک دشواری است. اینطور نیست که روسیه، در زمین بازی آمریکا باشد. اتفاقا در مورد خط‌دادن، آمریکایی‌ها بسیار محتاطند. اگر روسیه هم امضا کرده است نباید این ترس را داشت که اینها همه تحت‌تاثیر آمریکا بوده‌اند.

نه اینکه تحت‌تاثیر آمریکا بوده باشند، اینکه توافق یا عدم توافق، تحت‌تاثیر فرازونشیب‌های تهران-واشنگتن بوده است و اروپایی‌ها چندان بازیگر تاثیرگذاری نبوده‌اند...

خیر. موضع‌گیری دیگر قدرت‌ها نه تحت‌تاثیر افراطی‌ها بوده است و نه آمریکایی‌ها. امضا پای توافقنامه موقت «ژنو» به‌معنای همصدایی جامعه بین‌المللی در مورد پرونده هسته‌ای ایران است به همین دلیل من اصرار دارم توافق «ژنو» را «پنجره فرصتی» برای دو طرف بنامم. هم برای همصدایی جامعه بین‌المللی که این روزها در مورد مسایل بین‌المللی اتفاقا چندان همصدا نیست اما در مورد ایران هست و البته طرف ایرانی که می‌رود نقش سازنده‌ای را در جامعه بین‌المللی برعهده بگیرد. تغییر نگاه دولت آمریکا اتفاق مهمی بود و می‌دانیم که در کنگره آمریکا در مورد ادامه رژیم تحریم‌ها وجود دارد، باید با ذهن بسیار روشن و باز در مورد توافق «ژنو» بیندیشیم و برای اجرای آن جدی باشیم. توافقنامه نهایی نیست و البته هنوز تحریم‌ها هم برداشته نشده اما مقدمه خوبی برای عادی‌سازی گام‌به‌گام روابط با تهران است و تلاش بسیار عمل‌گرایانه‌ای برای کمک به حل موضوع بوده است اگر موفق به اجرای آن شویم.

موضع آلمان برای رسیدن به توافق نهایی در مذاکرات هسته‌ای چیست؟

برای رسیدن به توافقنامه قابل اتکا و مطمئن، همه تلاشمان را می‌کنیم. آلمان هیچ دستور کار پنهانی برای این مذاکرات ندارد. خواسته‌ها و مسیر رسیدن به همه آنها در گرو اعتمادسازی و اجرای مفاد توافق‌هاست. در این مسیر گام برمی‌داریم، آلمان هم به توافقنامه جامع می‌اندیشد که بالاخره باید شکل گیرد. این بخشی از فرآیند دموکراتیک سیاست در آلمان است. نظرات و عقاید مختلفی درمورد پرونده هسته‌ای وجود دارد اما همه متفق‌القول هستند که این پرونده تبدیل به مانعی در روابط عادی در سال‌های گذشته شده است. در صورتی‌که ما می‌توانیم همکاری‌های اقتصادی بیشتر و سازنده‌تری داشته باشیم. شانسی که با تلاش بسیار و نه تاکتیکی به وجود آمده است. حل این مساله مشترک؛ دغدغه همه طرف‌هاست. استراتژی «برد-برد» تفسیر درستی است از آنچه قرار است از میان همکاری‌های ما بر سر پرونده هسته‌ای بیرون بیاید. بنابراین اگر این شانس را از دست بدهیم کار برای همه ما دشوار خواهد شد. رویکرد بسیار عمل‌گرایانه‌ای را انتخاب کردیم و اساسا تا این نقطه از مذاکرات تاکتیکی و موقت عمل نکرده‌ایم. بنابراین تغییر سلیقه و ذایقه و گرایش نمی‌تواند و نباید چنین دستاورد بزرگی را مخدوش کند. فکر کنم دلیل قاطع و خوبی برای به نتیجه‌رسیدن این مذاکرات برای همه ما وجود دارد. به خاورمیانه نگاه کنید چالش‌های حل‌نشده هرروز به رقابت‌های دولت‌ها دامن می‌زند، اما فکر می‌کنم که دولت جدید ایران موقعیت جدیدی را ایجاد کرده است و نباید فکر کنیم منافع ایران و سایر کشورها تغییر کرده؛ خیر تغییر نکرده است اما اراده برای حل آن شانس خوبی به دست آورده است.

شخصا به مواضع دولت روحانی خوش‌بین هستید؟

بله انتخابات، معمولا تغییرات عمومی ایجاد نمی‌کند، اما روی کارآمدن سیاستمدار عمل‌گرا و باتجربه‌ای مثل روحانی ما را خوش‌بین می‌کند. عمل‌گرایی او امیدهای زیادی را به‌وجود آورده است و ما را خوش‌بین می‌کند.

آینه

قانون

یادداشت: «کارت هدیه» می‌گیرند کارت‌زرد می‌دهند»؛ مسعود کاظمی

علی جنتی مردی است که نه لوای اصلاح‌طلبی را با خود حمل می‌کند و نه نشان بارز اصولگرایی دارد. عملکرد وزیر ارشاد در ماه‌های گذشته نشان از برخورد یکسان و برابر وی در مواجهه با جریانات سیاسی موجود در کشور دارد. بازگشایی خانه سینما و بحث‌های سازنده در حوزه نشر از قدم‌های مثبتی است که در این مدت توسط وزارت ارشاد برداشته شده... دفاع علی جنتی در مجلس از روزنامه توقیف‌شده بهار و دغدغه بیکاری ۱۵۰ روزنامه‌نگار قابل ستایش است. دفاع از آزادی بیان و در عین حال میانه‌روی در گفتار و رفتار، امری است پسندیده و بجا که باید به آن ارج نهاد. مجلس اصولگرا تنها در چند ماه گذشته به سه وزیر از دولت تدبیر و امید کارت زرد داده است. دیروز علی جنتی به دریافت این کارت مفتخر شد. مشخص نیست زمانی که مجلس توان مصالحه با وزیری که در عمل واژه اعتدال را تفسیر کرده است را در خود نمی‌بیند، چه ایده‌آلی در ذهن دارد... برخی نمایندگان مجلس این‌روزها صرفا سرگرم کارت‌دادن هستند؛ یا کارت هدیه می‌گیرند یا کارت زرد می‌دهند. دریغ از اندکی عمل به وظایف نمایندگی. وقتی نامه برخورد با ویژه‌خوار بزرگ را تنها ۱۲ نماینده امضا می‌کنند، زمانی که از مجلس تنها یک صدای منتقد آن هم از طرف فرزند آیت‌الله مطهری بلند می‌شود و... می‌توان دریافت مجلس در سودای دیگری است. رویکردی که حتی صدای اعتراض رییس‌جمهور را هم بلند کرد.

ایران

سرمقاله: «مخاطبان هشدار روحانی» حامد شمس

اظهارات... حسن روحانی در همایش استانداران ابعاد و مشخصه‌های نوعی مانیفست را برای دولت جدید دارد... القای تداوم حاکمیت غیریکپارچه سال‌های اخیر از جمله دام‌های گسترده برخی محافل مخالف روحانی در مدت‌زمان کوتاه برای کشاندن دولت به گوشه رینگ بوده... نمره دولت یازدهم در حوزه‌های مختلف عملکردی، همانگونه که روحانی نیز تصریح کرد را «به اندازه ۱۵ماه» باید ارزیابی کرد، دیروز این صدای رسا از نشست مدیران دولت جدید به گوش رسید که پاستورنشینان در همه حال آماده نقد و ارزیابی در پیشگاه افکارعمومی هستند. اما تنها دغدغه آنها سودجویی برخی نحله‌های افراطی برای بحران‌سازی و نزاع‌افکنی است.

اعتماد

یادداشت: «آقای روحانی و پدیده‌ای به نام سفرهای استانی»؛ صادق زیباکلام

آقای نوبخت، سخنگوی دولت اعلام داشتند سفرهای استانی از هفته‌های آینده آغاز خواهد شد... متاسفانه در سفرهای قبلی آنچه بیشتر مدنظر بود یک مانور تبلیغاتی بود تا درک مشکلات و مسایل مردم منطقه. بگذارید نگاه نزدیک‌تری به سفرهای استانی دولت قبلی بیندازیم. آنچه بیش از ارزیابی از عملکرد دستگاه‌های اجرایی و بررسی مشکلات و مسایل آنان مطرح بود، این بود که رییس‌جمهور در جایی که سخنرانی می‌کنند جمعیت انبوهی جمع شده باشند. به همین خاطر، مدارس، کارخانجات، اداره‌های دولتی، شرکت‌های بزرگ دولتی، حتی پادگان‌ها هم جملگی تعطیل می‌شدند تا همگی به «استقبال» از رییس‌جمهور بروند، مرحله دوم «سفرهای استانی» عبارت بودند از تصویب طرح‌های ضربتی. در پایان سفر اعلام می‌شد که چندصد و حتی در مواردی چندهزار طرح به تصویب رسیده‌اند. هیچ‌کس هم این سوال ساده را مطرح نمی‌کرد که چگونه ممکن است ظرف دوروز یا حداکثر سه‌روز حتی اگر رییس‌جمهور و هیات همراه و مسوولان محلی تمام شب هم بیدار می‌ماندند، چندصد یا یکی دوهزار طرح به تصویب رسیده بوده باشد؟ ... بعید به نظر می‌رسد که آقای روحانی به‌دنبال اینگونه «سفرهای استانی» باشند. بعید به‌نظر می‌رسد که اساسا به‌دنبال تبلیغات اینچنینی و راه و روش‌های پوپولیستی در سفرهای استانی‌شان باشند. ضمن آنکه نیازی هم به چنین کارهای نمایشی، پوپولیستی و تبلیغاتی ندارند. علی‌القاعده هدف ایشان از سفرهای استانی آشنایی با مشکلات و مسایل آن استان، هم از زبان مسوولان و هم از زبان مردم آن استان خواهد بود.

کیهان

سرمقاله: «پی‌آمد تحریم برای تحریم‌کنندگان» امیر صادقی‌نشاط

چندی است سخن از یک فساد مالی در برخی از کشورهای همسایه بر سر زبان‌ها است، اینکه آقای الف متهم به سوءاستفاده است یا ب، از نظر علمی مساله اول نیست (قضایی است)، مساله اول، عواملی است که محیط اقتصادی را برای بروز اینگونه ناهنجاری‌های مالی مهیا می‌کند... آن هنگام که غرب به‌ویژه آمریکا تحریم‌های خود را علیه جمهوری اسلامی ایران برقرار کرد و پیوسته بر شدت آن افزود، قطار تجارت بین‌الملل را از ریل خود در ارتباط با ایران خارج کرد... دستکاری در نظام اقتصادی و نظم تجاری با اغراض صرف سیاسی، به‌ویژه اگر وجدان عمومی آن را حمایت نکند، علاوه بر آنکه موفقیت موردنظر طراحان آن را به‌همراه نداشته باشد، هزینه‌های سنگینی بر جامعه جهانی تحمیل می‌کند و موجب مسوولیت بین‌المللی طراحان می‌شود.

وطن امروز

تیتر یک: «حمله گازانبری به منتقدان»

در اقدامی عجیب، روزنامه «وطن امروز» از هیات نظارت بر مطبوعات تذکر گرفت. این هیات همچنین پرونده روزنامه «وطن امروز» را به مراجع‌قضایی ارسال کرد. این هیات اعلام کرده «وطن امروز» به‌دلیل نقض مصوبه شورایعالی امنیت ملی تذکر گرفته و پرونده به مراجع قضایی ارسال شده است. بر اساس این گزارش، این مصوبه رسانه‌ها را از انتشار اخبار و گزارش درباره فساد بزرگ کرسنت منع کرده بود.